رئیس ستاد دیه استان تهران هشدار داد

اعتماد و سادگی، مسیر ورود زنان به زندان

آمارهای ستاد دیه کشور این روزها روایتی تلخ دارد از افزایش زندانیان زن جرائم غیرعمد؛ زندانیانی که اغلب به خاطر یک اشتباه یا غفلت راهی زندان شده و چشم‌انتظار کمک خیرین برای بازگشت به خانه هستند. به‌رغم تاکید مسئولان عالی قضایی دایر بر تعدیل جمعیت زندانیان در شرایط بعد از جنگ تحمیلی سوم طبق آخرین آمار ۱۰۶۴ زن بدهکار مالی و ۲۱ هزار و ۱۷۲ مرد محکوم به جرائم غیرعمد در سطح ندامتگاه‌های ایران تحمل حبس می‌کنند.

به گفته سیداسداله جولایی، رئیس هیأت امنای ستاد مردمی دیه کشور این برای نخستین بار است که آمار زندانیان زن جرائم غیرعمد از مرز یک هزار زندانی تعدی کرده.

این مقام مسئول با اشاره به عواقب صدور مجازات حبس برای افراد غیربزهکار اظهار کرد: آثار تبعی زندان برای یک مرد هم سنگین است، چه برسد به این‌که با توجه به حساسیت‌های زنانه و غلبه عاطفه در بانوان، چنین احکامی برای خانمی تعیین شود که فارغ از متأهل یا مجرد بودن، باید از فضای جامعه وارد محیط سنگین و بسته ندامتگاه شود؛ اتفاقی که آثار سوء روحی بعضا غیرقابل جبران برای او به همراه دارد و به سبب عائله‌مندی اغلب این زندانیان به نوعی فرزندان و افراد تحت پوشش آنها نیز در معرض انواع تهدیدها و فشارها قرار می‌گیرند.

لیلا، از زندانیان بند زنان تهران بود که هفته گذشته با پیگیری مددکاران ستاد دیه کشور و کمک خیرین آزاد شد. همه چیز برای لیلا با دیدن آگهی استخدام در یک سایت اینترنتی آغاز شد. او دنبال کار بود و شرکتی به یک نیروی خدماتی خانم نیاز داشت. با شماره‌ای که در آگهی درج شده بود تماس گرفت و خیلی زود در آنجا استخدام شد. یک روز همراه مدیر شرکت به بانک رفتند تا حسابی برای پرداخت حقوق بازکنند.

او ماجرا را این‌گونه توضیح می‌دهد: «همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این‌که بعد از سه ماه شرکت تعطیل شد و من بیکار شدم. چند روز پس از بیکار شدن تازه فهمیدم چه بلایی سرم آمده است. مدیرعامل شرکت روزی که برای افتتاح حساب به بانک رفتیم، به‌نام من دسته چک گرفته و از آن استفاده کرده بود. بدین ترتیب با بدهی ۶۰۰ میلیون تومانی روبه‌رو شدم و کارم به زندان کشید، اما در ادامه با کمک خیرین و ستاد دیه تهران آزاد شدم.»

دلایل مختلفی برای زندانی شدن زنان به خاطر جرائم غیرعمد وجود دارد که اغلب آنها ریشه در اعتماد بی‌جا و سادگی است. مدیر ستاد دیه استان تهران در این‌باره با اشاره به دلایل افزایش ورود زنان به زندان در پرونده‌های غیرعمد، نسبت به سوءاستفاده برخی کارفرمایان و افراد سودجو از زنان با وعده استخدام هشدار داد و ضمانت‌های احساسی و بی‌محاسبه را از دیگر عوامل اصلی این پدیده برشمرد. عباس کشانی، تغییر سبک زندگی و حضور گسترده‌تر زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را یکی از عوامل مؤثر در افزایش ورودی زنان به زندان در پرونده‌های غیرعمد دانست.

ضمانت بدون سنجش توان مالی

وی یکی از مهم‌ترین دلایل این پدیده را ضمانت‌های احساسی و بدون محاسبه عنوان کرد و افزود: شمار قابل توجهی از زنان برای همسر، برادر یا نامزد خود ضمانت می‌کنند بدون آن‌که توان مالی خود را در نظر بگیرند و همین بی‌توجهی آنها را روانه زندان می‌کند.

چک و سفته؛ ابزاری که علیه خود زنان می‌چرخد

کشانی به گروه دیگری اشاره کرد که برای استخدام ناگزیر به دادن چک یا سفته شده‌اند و گفت: برخی کارفرمایان از این ضمانت‌ها سوءاستفاده کرده و زنان را با پرونده‌های مالی مواجه می‌کنند که هیچ نقشی در شکل‌گیری آن نداشته‌اند.

مدیرعاملی که خبر ندارد

مدیر ستاد دیه استان تهران از پرونده‌هایی خبر داد که در آنها از سادگی برخی زنان بهره‌برداری شده است: در موارد متعددی به نام زنان دسته‌چک گرفته‌شده یا آنها به‌عنوان مدیرعامل معرفی شده‌اند و وام‌هایی به نام‌شان اخذ شده است. سپس با سوءاستفاده از دسته‌چک یا عدم پرداخت اقساط، زن بی‌خبر از همه جا گرفتار می‌شود.

صندوق‌های خانگی؛ دردسر متولیان

کشانی به پدیده نسبتا نوظهور صندوق‌های خانگی نیز اشاره کرد و گفت: اخیرا پرونده‌هایی در این حوزه تشکیل شده که در آنها برخی اعضا پس از دریافت وام از صندوق اقساط را پرداخت نمی‌کنند و معمولا این متولی صندوق است که در نهایت گرفتار می‌شود.

وام بانکی و کسب‌وکاری که به ثمر نرسید

وی آخرین گروه را زنانی دانست که با هدف راه‌اندازی کسب‌وکار وام گرفته‌اند اما به اهداف پیش‌بینی‌شده نرسیده‌اند: ناتوانی در بازپرداخت اقساط بانکی و شکایت بانک، مسیر زندان را برای این دسته هموار می‌کند.

آموزش؛ کلید پیشگیری

کشانی در پایان بر نقش محوری آموزش در پیشگیری از این آسیب تاکید کرد و گفت: رسانه ملی و سیستم آموزشی باید اطلاعات لازم را در این زمینه به زنان منتقل کنند تا شاهد تکرار این پرونده‌ها نباشیم.

محاکمه سارق سابقه‌دار به اتهام قتل پسر جوان

مرد سابقه‌دار که متهم به قتل پسر جوانی است با صدور کیفرخواست پرونده‌اش به زودی در دادگاه محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از اواخر شهریور سال ۱۴۰۲ و با گزارش ناپدید شدن پسر ۳۲ ساله‌ای در تهران آغاز شد. مرد میانسالی به پلیس آگاهی تهران رفت و با طرح شکایتی گفت: پسرم در مغازه‌ای کار می‌کرد. قبل از خروج از آنجا با مادرش حرف زد و بعد راهی خانه شد. هرچه منتظر او شدیم، خبری نشد و گوشی‌اش هم خاموش است. می‌ترسم بلایی سر او آمده باشد.

بعد از این شکایت، ماموران تحقیقات را شروع کردند و معلوم شد از حساب بانکی مرد گمشده در اطراف محله هفت چنار خرید شده و بعد از آن دیگر برداشتی انجام نشده است. چند ماه بعد گوشی تلفن همراه مرد گمشده فعال و روشن شد. همچنین پی بردند گوشی در اختیار مردی به نام بهروز است. او به عنوان تنها مظنون پرونده در خانه‌اش در اطراف تهران بازداشت و گوشی مرد گمشده از او کشف شد. وی در تحقیقات اولیه پلیسی مدعی شد این گوشی را از یک دستفروش خریده و صاحب آن را نمی‌شناسد.

ماموران سوابق کیفری متهم را بررسی کردند که معلوم شد سابقه سرقت لوازم خودرو، زورگیری، گوشی‌قاپی و مواد مخدر داشته و معتاد است. تحقیقات از بهروز ادامه داشت تا این‌که او ادعای جدیدی مطرح کرد و گفت در اطراف گرمسار با جسد خونین مردی روبه‌رو شدم که این گوشی کنارش بود. گوشی را برداشتم و خودم را به دردسر انداختم.

در حالی که تحقیقات از تنها مظنون پرونده ادامه داشت، ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران از طریق پلیس سمنان باخبر شدند کارگران هنگام لایروبی اطراف رودخانه‌ای در شهر گرمسار، جسد متلاشی‌شده‌ای را یافته‌اند که مجهول‌الهویه است. ماموران که احتمال می‌دادند، جسد متعلق به همان مرد گمشده باشد از خانواده او خواستند به پزشکی قانونی بروند و آزمایش دی‌ان‌ای بدهند. با انجام آزمایش، مشخص شد جسد متعلق به پسر گمشده نیست. پس از یک سال تنها متهم پرونده لب به اعتراف باز کرد و گفت: معتادم و سابقه جرایمی از جمله زورگیری، سرقت و گوشی‌قاپی دارم.

آن شب برای هزینه موادم پول نیاز داشتم. مسافر جابه‌جا می‌کردم تا سوژه‌ای پیدا کنم که پول زیادی داشته باشد. آن مرد جوان اتفاقی به عنوان مسافر سوار خودرویم شد. در میانه راه تغییر مسیر دادم و با چاقو تهدیدش کردم که هرچه پول، گوشی و اموال دارد به من تحویل دهد که با هم درگیر شدیم. در این جدال دستانم را روی گلویش گذاشتم و آن‌قدر فشار دادم تا خفه شد. مانده بودم با جسد در خودرو چه کنم. آن را در صندوق عقب گذاشتم. گوشی‌اش را خاموش کردم و کارت بانکی که رمزش نیز کنار آن بود را برداشتم. اول خواستم جسد را در تهران یا اطراف آن رها کنم اما ترسیدم. با کارت بانکی سرقتی او چند نخ سیگار خریدم و جسد را حوالی گرمسار رها کردم. بعد از مدتی که آب‌ها از آسیاب افتاد، گوشی را روشن کردم که دستگیر شدم.

کارآگاهان پلیس سپس به محل رها کردن جسد رفتند اما ردی به دست نیاوردند. این در حالی است که محل رها کردن جسد، یک رودخانه بود و این احتمال مطرح شد که در این مدت جسد زیر رسوبات مانده و امکان پیدا کردنش وجود ندارد.

در ادامه ماموران به بازرسی خانه متهم پرداخته و کیف پول مقتول را آنجا پیدا کردند. همچنین کارشناسان تشخیص هویت با بررسی خودروی این مرد، رد خون در ماشین او را تایید کردند.

چندی قبل متهم برای آخرین دفاع به دادسرا منتقل شد و این بار ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: با ماشینم مسافرکشی می‌کردم. یک روز مقتول را از افسریه به مقصد آمل سوار ماشین کردم اما در میانه راه بر سر گم‌شدن موبایلم با او درگیر شدیم و ضربات سنگینی به سرش زدم که مرد. ترسیده بودم و جسد را در رودخانه‌ای رها کردم. چند روز بعد دچار عذاب وجدان شده و گوشی پسر جوان را روشن کردم تا به خانواده‌اش داده و بگویم آن را کنار جسدش پیدا کرده‌ام تا دیگر چشم‌انتظار برگشت او نباشند.

با تکمیل تحقیقات، برای متهم کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به دادگاه کیفری ارسال شد تا به زودی از خود دفاع کند.

قتل پسر نوجوان در درگیری خیابانی

پسر نوجوان که مدتی بود با پسری ۱۷ ساله درگیری خیابانی پیدا کرده بود، وقتی دوباره با او چشم تو چشم شد با هم درگیر شدند و با ضربه چاقو او راکشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه هشتم تیر، یکی از ماموران کلانتری مهرآباد جنوبی در تماس تلفنی با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان قتل پسری ۱۷ ساله قرار داد. در جریان تحقیقات معلوم شد وی بر اثر ضربه چاقو که به گردنش اصابت کرده در یکی از محله‌های مهرآباد جنوبی تهران در دعوای خیابانی زخمی و از سوی اهالی به بیمارستان منتقل شده اما فوت کرده است. ماموران به محل درگیری خونین رفتند و با تحقیق از همسایه‌ها و شاهدان ماجرا پی بردند پسری ۱۹ ساله و دو پسر ۱۷ و ۱۶ ساله با مقتول درگیر شدند و مهاجم ۱۶ ساله عامل جنایت بوده است. همچنین ماموران به بازبینی فیلم دوربین مداربسته مغازه‌ای در همان حوالی پرداختند و توانستند تصویر متهمان و صحنه جنایت را به‌دست آورند. آنها تحت تعقیب بودند که آخر شب در خانه‌های‌شان شناسایی و بازداشت شدند. متهمان به کلانتری مهرآباد جنوبی تهران انتقال یافتند. متهم به قتل ۱۶ ساله در تشریح ماجرا گفت: مقتول حوالی خانه ما زندگی می‌کرد. یک سال و نیم قبل یک‌بار در مسیر خانه بودم که پسر ۱۷ ساله ـ مقتول ـ هنگام عبور از کنارم، تنه‌اش به من خورد. من به رفتارش اعتراض کردم که با من جر و بحث کرد و گفت تو از آن سو برو. این حرفش باعث ناراحتی‌ام شد و دعوا کردیم که مردم آمدند و ما را از هم جدا کردند. بعد از این ماجرا بود که چند مرتبه دیگر وقتی با دوستانم از محل آنها رد می‌شدم، او و دوستانش با ما روبه‌رو شدند و دعوای‌مان شد و نزاع‌های دسته‌جمعی شکل گرفت.

وی افزود: چند مرتبه زدوخورد کردیم. از هم بدمان می‌آمد و کینه یکدیگر را به دل گرفته بودیم. در جریان یکی از همان دعواهای قبلی‌مان که دسته‌جمعی رخ داده بود، او با چاقو به من حمله‌ور شد و من را زخمی کرد. با تهدیدهای او ترسیدم و شکایت نکردم. مدتی کاری به کار هم نداشتیم تا این‌که عصر روز حادثه با دو نفر از دوستانم راهی مغازه آرایشگاهی در حوالی خانه‌مان بودیم که اتفاقی او را دیدم. مدام به من چپ‌چپ نگاه می‌کرد و چشم در چشم شدیم. نگاه‌های بدی به من داشت و زیر لب حرف‌هایی می‌زد.

متهم به قتل ادامه داد: از رفتارش ناراحت شدم و با او مشاجره لفظی کردم که دعوای‌مان بالا گرفت و دوستانم نیز با او جر و بحث کرده و درگیر شدند. آنها را به کناری پرت کرد. سراغم آمد و این بار با پایش ضربه‌ای زد که من تعادلم را از دست دادم. عصبانی شدم و چاقو را از جیبم درآوردم و سمتش ضربه‌ای انداختم که بترسد و دست از این رفتارها و کارش بردارد که او نیز در همین موقع خواست جاخالی بدهد که تعادلش را از دست داد و همین‌طور که داشت به زمین می‌افتاد یک‌دفعه سمت من برخورد کرد و چاقویی که دستم بود به گردنش اصابت کرد و باعث زخمی شدن و در ادامه مرگ او شد.

این درحالی بود که در ادامه بازجویی‌های پلیسی، همدستانش نیز گفته‌های او را تایید کردند.

غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: همدستان قاتل در بازداشت به‌سر می‌برند و پرونده قاتل نوجوان هم با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای اطفال و نوجوانان تهران ارسال شد.

سرقت زن و مرد شیشه‌ای از همسایه نوازنده

مرد شیشه‌ای با همدستی زن معتاد به خانه همسایه نوازنده‌اش دستبرد زد و ابزار و ادوات میلیاردی موسیقی او را به سرقت برد. وی با فروش بخشی از اموال دزدی که سهمش بود، هزینه مصرف شیشه خود را تأمین کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل هفته گذشته، مردی جوان با مراجعه به پلیس آگاهی تهران، از سرقت خانه‌اش شکایت کرد. او در تشریح ماجرا گفت: «دانشجوی رشته موسیقی‌ام و در همین زمینه به‌عنوان نوازنده مشغول به کار هستم. ابزار و ادوات موسیقی مختلف از گیتار، سه‌تار، سنتور و... در خانه داشتم و از آن استفاده می‌کردم. شب گذشته به دیدن یکی از دوستانم رفتم و آخر شب که برگشتم، دیدم قفل در خانه‌ام تخریب شده است. وقتی وارد شدم، وسایل خانه‌ام به‌هم ریخته و تمام ابزار و ادوات موسیقی مربوط به کار و دانشگاه که ارزش میلیاردی داشت، به سرقت رفته بود. یکی از ابزارهای موسیقی‌ام نیز به‌شدت تخریب شده و کنجی افتاده بود.» تحقیقات برای یافتن ردی از سارق یا سارقان شب‌رو و نیز کشف اموال موسیقی شاکی ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش شاکی به اداره پلیس تهران آمد و اعلام کرد یکی از زنان همسایه نزد او آمده و گفته است به مرد همسایه که معتاد به شیشه بوده، مشکوک است؛ چراکه چند شب پیش صدای گیتار را از خانه او شنیده، در حالی که آن مرد توانایی نواختن گیتار را نداشته و آخر شب نیز گیتار به دست از خانه خارج شده است. او حالا با توجه به گفته‌های زن همسایه به مرد معتاد همسایه در ماجرای سرقت خانه‌اش مشکوک بود و از وی شکایت کرد. مأموران با هماهنگی قضایی به ساختمان محل سرقت در جنوب غرب تهران رفتند و مرد معتاد در خانه‌اش بازداشت شد. در بازرسی از آنجا کیف چند دستگاه موسیقی که متعلق به مالباخته بود، پیدا شد. متهم جوان به پلیس آگاهی تهران منتقل شد و به ضد و نقیض‌گویی پرداخت. او دیروز به سرقت اعتراف کرد و گفت: «بیش از یک سال است که معتاد به شیشه‌ام. وضعیت مالی‌ام هم خوب نبود. اوایل برای مصرف شیشه به خانه دوستانم می‌رفتم؛ آنجا با شبنم که مادر پنج فرزند بود و به شیشه اعتیاد داشت، آشنا شدم. بعد از مدتی، او و چند معتاد دیگر برای مصرف شیشه به خانه‌ام می‌آمدند.

در همین گیرودار بود که متوجه شدیم مرد همسایه‌مان ابزار و ادوات موسیقی زیادی در خانه‌اش دارد که باارزش بودند. او نوازنده بود و در رشته موسیقی هم در دانشگاه درس می‌خواند. چند بار او را دیده بودم که وسایل و ادوات موسیقی را با خود از خانه می‌برد و پس از چند روز که کارش تمام می‌شد، برمی‌گشت.»

وی افزود: «وسوسه سرقت این ابزار و ادوات موسیقی به جانم افتاد. موضوع را با شبنم در میان گذاشتم و تصمیم گرفتیم این مرد را تعقیب کرده و زمانی که در خانه نبود، وسایل موسیقی‌اش را سرقت کنیم. یک هفته او را زیر نظر گرفتیم تا این‌که شب حادثه او رفت و غیبتش طولانی شد. قفل در را شکستیم و به خانه‌اش رفتیم و ابزار و ادوات موسیقی را از آنجا سرقت کرده و به خانه‌ام آوردیم. شبنم آخرشب بخشی از وسایل را برد و دیگر تلفنش را خاموش کرد و از وی خبری ندارم. بعد هم من وسایلی را که در خانه‌ام مانده بود، کم‌کم فروختم و با پول آن شیشه خریده و مصرف کردم.»

صیادخاکزاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم، تحقیقات برای دستگیری زنی که همدستش بود و کشف اموال سرقتی مرد نوازنده ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

بخشش ۳ زندگی

کبد و دو کلیه مرد ۳۷ ساله دشتستانی مرگ مغزی شده به بیماران اهدا شد.

علیرضا باقری مسئول مرکز فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به ایسنا گفت: احسان آفریدون ۳۷ ساله اهل شهرستان دشتستان بر اثر خونریزی مغزی ناشی از فشار خون در بیمارستان تحت درمان بود که دچار مرگ مغزی شد. خانواده وی بعد از اطلاع از این ماجرا با اقدامی انسان‌دوستانه رضایت خود را برای اهدای اعضای بدن او اعلام کردند. کبد و هر دو کلیه این مرد برای انجام عمل پیوند به بیمارستان ابوعلی سینای شیراز منتقل شد.

مرگ بعد از آتش‌سوزی محل کار همسر

مردی در جریان اختلاف خانوادگی با همسرش محل کار او را آتش زد و وی را مصدوم کرد و خودش نیز مصدوم شد و به دلیل صدمات وارده فوت کرد.

حسن امجدیان فرمانده انتظامی لامرد استان فارس به سایت پلیس گفت: مردی با پلیس ۱۱۰ شهرستان لامرد تماس گرفت و از کشف جسد مردی ۴۵ ساله در اطراف شهر خبر داد. ماموران برای بررسی ماجرا به آنجا رفتند و جسد را در حالی یافتند که ساعاتی از مرگش گذشته بود.

وی افزود: در جریان تحقیقات ماموران به سرنخ‌هایی دست یافتند و توانستند هویت وی را شناسایی کنند. در ادامه خانواده‌اش را شناسایی کردند و به تحقیقات از آنها پرداختند که معلوم شد او با همسرش اختلافات خانوادگی داشته و روز هفتم تیر به محل کار همسرش رفته و با ریختن بنزین آنجا را به آتش کشیده و باعث شده است جوانش زن مصدوم شود. این مرد خودش هم دچار جراحات می‌شود و محل را ترک می‌کند و به خارج شهر می‌رود که آنجا فوت می‌کند و جسدش کشف می‌شود. همسر این مرد همچنان در بیمارستان بستری و تحت درمان است.

۲۹ مصدوم در واژگونی اتوبوس

سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی از وقوع سانحه رانندگی در شهرستان شبستر در ورودی چهرگان با ۲۹ مصدوم خبر داد.

وحید شادی‌نیا به ایرنا گفت: ساعت ۶:۵۰ سه‌شنبه در پی واژگونی اتوبوس در شهرستان شبستر، شش دستگاه آمبولانس عازم محل حادثه شدند. معلوم شد ۲۹ نفر در این تصادف مصدوم شده‌اند که بعد از اقدامات درمانی اولیه به بیمارستان فاطمیه شبستر منتقل و بستری شدند.

زن سالخورده قربانی سرقت

مردی که با انگیزه سرقت و تصاحب اموال زن سالخورده او را کشته و جسدش را دفن کرده بود بازداشت شد.

سرهنگ شکری رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی به ایسنا گفت: زن ۷۳ ساله‌ای در یکی از محله‌های ارومیه ناپدید شد و خانواده‌اش با حضور در پلیس آگاهی گم‌شدن او را اطلاع دادند. در ادامه تحقیقات معلوم شد این زن از خانه خارج شده و همسایه‌ها او را دیده‌اند که سوار خودروی مردی شده است. در ادامه تحقیقات پلیسی، این مرد شناسایی و تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد.

وی افزود: متهم اعتراف کرد او را به قتل رسانده است. مشخص شد او با انگیزه سرقت اموال و تصاحب دارایی‌های مقتول وی را به قتل رسانده و جسدش را در محلی خارج از شهر دفن کرده است. با اعتراف وی ماموران به محل کشف جسد رفتند و آن را یافتند.

همدستی پسر نوجوان با دختری در قتل

پسر نوجوانی که با همدستی دختری جوان، پسری را کشته و متواری شده بود بعد از فرار چند ماه به بازداشت شد.

سرهنگ حمیدرضا میرحبیبی رئیس پلیس آگاهی استان کرمان به مهر گفت: اسفند سال گذشته جسد پسر نوجوانی با علائم خفگی در حوزه کلانتری ۲۱ شهر کرمان کشف شد. با شناسایی هویت مقتول و ادامه تحقیقات معلوم شد دختری جوان و پسری نوجوان که دوست مقتول بوده در ماجرا نقش داشتند. متهمان تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند تا این‌که دو روز پیش هر دو در مخفیگاه‌شان بازداشت شدند. هرچند متهمان در بازجویی به قتل اعتراف کرده‌اند اما تحقیقات از آنها برای مشخص شدن انگیزه‌شان از این جنایت ادامه دارد.